

## سوره «فصلت» (۴۱)

وجه تسمیه

نام «فصلت» که بیانگر پیام کلی و محور اصلی سوره می باشد از آیات سوم و چهل و چهارم آن اخذ شده است:

(۳) کتاب فصلت آیاته قرآناً عربیاً لقوم یعلمون

(۴۴) ولو جعلناه قرآناً اعجمیا لقالوا لولا فصلت آیاته، ء اعجمی و عربی...

از مقایسه همین دو آیه می توان به معنای «فصلت» پی برد، آنچه از جانب خداوند رحمن و رحیم بتدریج بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده (تنزیل من الرحمن الرحیم)، نه خواب و خیال است و نه الهام و القائی که فقط گیرنده اش از آن مطلع باشد، قرآنی (خواندنی) است بزبان مردم (عربی) تا بسادگی و روشنی آنرا درک نمایند. اگر قرآن (مطلب خواندنی) بزبانی غیر از زبان مردم معاصر پیامبر بود می گفتند چرا آیاتش واضح و آشکار و قابل فهم با فکر و فرهنگ ما نیست؟ (ولو جعلناه قرآناً اعجمیا لقالوا لولا فصلت آیاته). بنابراین معنای کلمه «فصلت» (که از ریشه فصل = جدائی و مباینت میان دو چیز گرفته شده) تفصیل و شرح و بسط دادن مطلب از طریق تجزیه و تحلیل و تبیین و جداکردن قسمت‌های مختلف آن به گونه‌های است که برای خواننده براحتی قابل فهم باشد و بتواند شناختی برا تشخیص حق

از باطل، خیر از شر، حلال از حرام، حسنه از سیئه و... پیدا کند<sup>۱</sup>.

به این ترتیب «تفصیل» معنایی مقابل اجمال و ابهام و اختصار پیدا می کند و قرآن به دلیل آنکه آیاتش در نهایت وضوح و روشنی حقایق را بیان می کند «کتاب مفصل» نامیده شده است<sup>۲</sup> این تعبیر وقتی روشن تر می شود که به معنی اصلی کلمه «عربی» یعنی سخن فصیح و واضح و «اعجمی» به معنی سخن گیج کننده و دشوار توجه کنیم.

انعام (۱۱۴) هوالذی انزل الیکم الکتاب مفصلاً

اعراف (۵۲) لقد جئناهم بکتاب فصلناه علی علم

همچنین این کتاب (قرآن) از آنجائی که تکمیل کننده و تفصیل دهنده حقایق کتب پیشین است و اجمال کلیات آنها را شرح و بسط می دهد، هم تصدیق کننده آنها می باشد و هم تفصیل دهنده:

یونس (۳۷) و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الکتاب لاریب فیه

گرچه تورات نیز در زمان خود نسبت به درک مردم تفصیل دهنده همه چیز بود:

اعراف (۱۴۵) و کتبنا له فی الالواح من کل شی موعظه و تفصیلاً لکل شیء.

این را هم اضافه می کنیم که نزول قرآن در شب قدر (یا روز بعثت) بر قلب پیامبر بصورت کلی و مرکب و ناگهانی (دفعه واحده) بوده بعداً و بتدریج در طول ۲۳ سال بصورت کلامی خواندنی (قرآن) شرح و بسط و تفصیل داده شده است:

سوره هود - الر - کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

با توضیحات فوق که با عنایت به نام سوره داده شد، به اهمیت زیربنائی موضوع «قرآن»

در این سوره پی می بریم. سوره فصلت با اشاره به تنزیل این کتاب تفصیل داده شده

خواندنی<sup>۳</sup> از جانب خداوند رحمن رحیم بخاطر بشارت و انداز مردم آغاز می گردد:

(حم - تنزیل من الرحمن الرحیم - کتاب فصلت آیاته قراناً عربیاً لقوم یعلمون - بشیراً و

۱. به این دو آیه توجه کنید که معنای تفصیل چقدر نزدیک به تبیین و تشریح است: انعام ۱۱۹ (قد فصل علیکم ما حرم علیکم). در اینجا شناخت پیدا کردن به جدائی حلال و حرام تفصیل داده شده است. ۲- اسراء ۱۲ (و لتعلموا عدداً للسنین والحساب و کل شی فصلناه تفصیلاً) در اینجا شناخت اوقات روز و هفته و ماه از طریق حالات مختلف کره ماه مصداقی از تفصیل اشیاء معرفی شده است.

۲. نه آنکه قرآن آیاتش فقط قابل درک و فهم است، بلکه این آیات وسیله درک و فهم همه چیز است: اسراء (۱۲) و کل شی فصلناه تفصیلاً - یوسف (۱۱۱) و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شی.

۳. علت اینکه صفت قرآن (خواندنی) برای کتاب نازل شده بر پیامبر قرار داده شده این است که معنای کتاب برخلاف آنچه در میان ما فارسی زبانان معمول است، الزاماً صحیفه ای کاغذی و خواندنی نیست، هرآنچه ظرف علم و اطلاعاتی باشد کتاب است، فرضاً کامپیوتر در زمان ما کتابی است جامع اطلاعات فراوان، اما قابل خواندن و درک و فهم مردم عادی نیست. کتاب مبین نیز چنین است.

نذیراً...

و در متن آن (آیات ۲۶ و ۴۱ و بطور غیرمستقیم آیات ۲۸ و ۳۰) و پایان سوره (آیات ۵۲ و ۵۳ و بطور غیرمستقیم آیه ۴۵) مرتباً به این موضوع توجه شده است. این کتاب به نامها و صفات مختلفی در سوره فصلت معرفی شده است که ذیلاً به آن اشاره می‌کنیم:

آیه (۳) کتاب فصلت آیاته...	۱- کتاب	نامها	
«(۴۱) و انه لکتاب عزیز...»			
«(۳) قرآنا عربيا»			
«(۴۴) ولو جعلناه قرآنا اعجميا - (وآیه ۲۶)»	۲- قرآن		
«(۴۱) ان الذين كفروا بالذکر لما جاءهم...»			۳- ذکر
«(۴) بشیرا و نذیرا فاعرض اکثرهم...»	۱- بشارت و انذار دهندگی	صفات	
«(۴۴) قل هوللذین آمنوا هدی و شفاء...»			۲- هدایتگری و شفاء
«(۴۱) و انه لکتاب عزیز»			۳- عزت بخشی
«(۵۳)... حتی یتبین لهم انه الحق»			۴- حقانیت
«(۲) تنزیل من الرحمن الرحیم»			۵- نزول تدریجی
«(۴۲) تنزیل من حکیم حمید»			

نزول تدریجی (تنزیل) این کتاب، در ابتدای سوره نشئت گرفته شده از منشأ رحمت عام و خاص الهی معرفی شده است (تنزیل من الرحمن الرحیم) و در اواخر سوره (آیه ۴۲) از منشأ حکمت پسندیده او (تنزیل من حکیم حمید).

خدواند بدلیل رحمت جهانگسترش همه بندگان را در معرض تابش انوار هدایت خود قرار می‌دهد (رحمن) و برحسب نورپذیری و جذب و انجذاب بندگان نور بیشتری بر آنان می‌تابد (رحیم). تفصیل این آیه گویا آیه ۱۸۵ سوره بقره باشد: «هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان». قرآن برای توده مردم (ناس) هدایت است اما علاوه بر آن، دلائل روشنی از هدایت و شناخت (فرقان) نیز دارد که برحسب تدبیر و تفکر اهل خرد و خواص قابل درک و دسترسی خواهد بود.

و اما قرآن نشئت گرفته از منشأ حکمت پسندیده پروردگار نیز می‌باشد (تنزیل من

حکیم حمید). یعنی نزول این کتاب باطل و بیهوده و عبث نیست، حکمتی بر آن مقرر است تا بندگان هدایت شده به کمال خویش در جهت خدا برسند، پس کاری است درخور ستایش و حمد بسیار برای خالق که چنین حکم فرموده:

لایأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید.

چهار صفت: رحمن، رحیم، حکیم و حمید در دو حرف «ح» و «م» که تشکیل دهنده حروف مقطعه سوره (حم)، هستند اشتراک دارند. آیا ارتباطی میان «حم» و مضامین سوره که نشئت گرفته از چهار صفت فوق می باشند وجود ندارد؟

### روگردانی

گرچه این کتاب از جانب «رحمن الرحیم» و «حکیم حمید» برای هدایت و سعادت مردم نازل شده است، اما بیشتر آنها از آن روی می گردانند و گوش دل به آن نمی سپارند (فاعرض اکثرهم فهم لایسمعون) و در مقام توجیه اعراض خود (علیرغم روشنی و وضوح آیات کتاب = فصلت آیاته) می گویند:

(پوشیدگی و پرده قلبی برای درک حقایق)	قلوبنا فی اکنه مما تدعونا الیه
(سنگینی گوش برای شنیدن حرف حق)	وفی اذاننا وقر
(موانع و حجاب های فردی و اجتماعی)	ومن بیننا و بینک حجاب
(بی اعتنائی و احساس امنیت و آسودگی)	فاعمل اننا عاملون

گویا مهمترین عاملی که مانع تصدیق آنها به نبوت و کتاب گشته، همچون سایر اقوام پیشین، انتظار غیربشر بودن رسول خدا، ناباوری وحی، آلودگی به شرک و عدم پذیرش توحید و استکبار از اعتراف به اشتباه و استغفار به درگاه خدا می باشد که به دنبال آیه فوق توضیح می دهد:

قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم الله واحد فاستقیموا الیه و استغفروه و ویل للمشرکین.

و انگیزه و علت اصلی این انحرافات را در دنیاپرستی که نتیجه اش خودداری از پرداخت حقوق اجتماعی و انکار زندگی وراء زندگی مادی دنیائی می باشد معرفی می نماید: (الذین لایؤتون الزکوة و هم بالاخرة هم کافرون)

این گروه همانطور که از آیه فوق هم هویدا است، «کافران» نامیده شده اند. کفر یعنی ناسپاسی و پوشاندن حقیقت. اینها از آنجائی که نسبت به نزول قرآن که بالاترین نعمت و

وسیله هدایت است ناسپاسی می کنند و این حقیقت را نادیده انگاشته سرپوش می گذارند کافر نامیده شده اند.

کفر این گروه هم به آخرت است (و هم بالآخره هم کافرون)، و هم به قرآن (قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرآن - ان الذین کفروا بالذکر - ثم کفرتم به). بنابراین همه حقایق را سرپوش می گذارند.

البته «مشرک» هم نامیده شده اند (و ویل للمشرکین - آیه ۶) ولی فقط یکبار (در برابر ۹ بار کافر) بخاطر انحراف از توحید و انکار ربوبیت و انداد گرفتن برای خدا (آیه ۱۹۱... و تجعلون له انداداً ذلک رب العالمین) و آیه (۴۸) و ضل عنهم ما كانوا يدعون من قبل... خصلت این گروه پندارگرایی و تبعیت از نظریات و تصورات ذهنی خود است که راهی بسوی حقیقت ندارد.

آیه (۲۲) و لکن ظننتم ان الله لایعلم کثیراً مما تعملون.

آیه (۲۳) ذلکم ظنکم الذی ظننتم بریکم اردیکم فاصبحتم من الخاسرین

آیه (۴۸) و ضل عنهم ما كانوا يدعون من قبل و ظنوا ما لهم من محیص.

آیه (۵۰) و ما اظن الساعة قائمة...

و نتیجه چنین کفران و پندارگرایی آنچنان که در سوره نشان داده شده است، هلاکت و خسران و آتش جهنم و انواع عذاب (عذاب خواری دنیا و آخرت، صاعقه عذاب، تحقق قول عذاب، عذاب شدید، عذاب غلیظ و...) می باشد.

آیه (۱۶) و لنذیقنهم عذاب الخزی فی الحیوه الدنیا و لعذاب الاخره اخزی و هم لاینصرون.

آیه (۱۷) ... فاخذتهم صاعقه العذاب الهون بما كانوا یکسبون

آیه (۱۹) یحشر... الی النار

آیه (۲۳) ... اردیکم فاصبحتم من الخاسرین.

آیه (۲۴) - فالنار مثوی لهم

آیه (۲۵) ... و حق علیهم القول... انهم من الخاسرین.

آیه (۲۷) و لنذیقن الذین کفروا عذاباً شدیداً و لبحزینهم أسوأ الذی كانوا یعملون

آیه (۲۸) جزاء اعداء الله النار...

آیه (۴۰) یلقى فی النار

آیه (۵۰) ... و لنذیقنهم من عذاب غلیظ.

## علم و احاطه خدا

از جمله مسائلی که در این سوره به وضوح به چشم می خورد و از جهاتی می توان آنرا از مهمترین محورهای سوره شمرد، مسئله علم و احاطه خداوند به اعمال بندگان است. کافران که پندارگرائی و ظن و گمان روال کارشان است، چنین می پندارند که حساب و کتابی در کار نبوده اعمالشان پنهان از علم خدا است. (و لکن ظننتم ان الله لایعلم کثیراً مما تعملون)

در این سوره مرتباً تأکید می شود که خداوند نسبت به اعمال بندگان «بصیر» و بر هر چیز «محیط» و «شهود» است. (آیات ۴۰-۵۳ و ۵۴)

مکانیسم این علم و شهود دقیق نیز شهادت دادن گوش و چشم و پوست کافران است که در روز حساب به نطق درآمده و شگفتی و حیرت صاحبان خود را برمی انگیزند و به جزئیات اعمال آنها خبر و گواهی می دهند. این مطلب در آیات ۲۰ تا ۲۳ این سوره توضیح داده شده است.

در آیات دیگری نیز به علم خداوند اشاره شده که از آن جمله در آیات ۱۲ و ۳۶ خداوند به صفت علیم ستایش گشته است:

آیه (۱۲) عزیز العلیم و آیه (۳۶) انه هو السميع العلیم  
و در آیه (۴۷) علم او را بر ساعت قیامت، رسیدن میوه ها، باروری و حمل و زایمان هر ماده ای نشان می دهد:

الیه یرد علم الساعة،

و ما تخرج من ثمرات من اکمامها،

و ما تحمل من انثی و لا تضع الابعلمه

این آیه که مشابهت نزدیکی با آخرین آیه سوره لقمان (ان الله عنده علم الساعة و ينزل الغيث و يعلم ما فی الارحام و ما تدری نفس ماذا تکسب غداً و ما تدری نفس بای ارض تموت ان الله علیم خبیر) دارد. علم الهی را در سه زمینه: ۱- ساعت و پیدایش قیامت، ۲- نزول باران و پیدایش میوه و محصول، ۳- شکل گیری و پیدایش حیات در رحم ها نشان می دهد که هر سه زمینه استمرار ربوبیت و تدبیر او را (که مشرکین علیرغم اعتقاد به الوهیت منکر آن بودند) نشان می دهد.

## آخرت

از موضوعات مهم دیگری که در این سوره مورد توجه قرار گرفته مسئله آخرت است که در ابتدای سوره (آیه ۷) به اجمال به آن اشاره شده است (... و هم بالاخره هم کافرون). به این

موضوع بخش مهمی از آیات این سوره (آیات ۱۹ تا ۳۲) اختصاص یافته است. علاوه بر آیات فوق (۱۴ آیه) که بصورت پیوسته و مجموعه به حیات پس از دنیا اختصاص یافته، در لابلای آیات دیگر نیز اشاراتی به آخرت، عقاب، ساعت، لقاء و ... که مفاهیمی مربوط به آخرت هستند شده است. از جمله آیات ۱۶-۴۰-۴۲-۴۷-۴۸-۵۰-۵۴، بطوریکه می توان ۴۰٪ سوره را مرتبط با موضوع آخرت شمرد.

### ایمان و عمل صالح

همانطور که گفته شد در این سوره به «اعمال و مکتسبات» انسان عنایت ویژه ای شده است بطوریکه ۱۱ بار این واژه در سوره فصلت تکرار شده است. عمدتاً عمل کافران از جهت منفی مورد بررسی قرار گرفته اما سه بار هم عمل صالح مؤمنان ستوده گشته است: آیه (۸) ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم اجر غیر ممنون. آیه (۳۳) و من احسن قولاً ممن دعا الی الله و عمل صالحاً و قال اننی من المسلمین آیه (۴۶) من عمل صالحاً فلنفسه و من اساء فعلیها جالب اینکه هم کافران به پیامبر می گویند تو عمل کن که ما هم عمل کننده ایم (فاعمل اننا عاملون) و هم پیامبر از قول خدا به کافران (اعملوا ما شئتم انه بما تعملون بصیر).

### اسماء الهی

در این سوره نام جلاله «الله» ۱۱ بار و نام «رب» (به صورت مضاف یا با ضمیر) ۱۲ بار به کار رفته است از اسماء الحسنی نیز ۱۳ نام (۱۵ مورد) به شرح ذیل در سوره فصلت آمده است:

رحیم و علیم (هر کدام ۲ بار)، رحمن، واحد، عزیز، غفور، سمیع، قدیر، بصیر، حکیم، حمید، شهید و محیط اگر اسامی فوق را جمع کنیم ضریب ۱۹ خواهد شد.

$$۱۱ + ۱۲ + ۵ = ۳۸ = (۲ \times ۱۹)$$

نکته قابل توجه اینکه اسماء الحسنی در این سوره عمدتاً در آیات ۳۲ تا ۴۲ آمده است. بنابراین ثلث آخر سوره مشحون از آیات توحیدی می باشد.

اسماء الحسنی در این سوره ۵ بار به صورت مزدوج (ترکیب دو اسم) و ۳ بار با جمله «انه بکلشی» (یا علی کل شی) آمده است.

مثل: رحمن الرحیم - عزیز العلیم - غفور رحیم - سمیع العلیم - حکیم حمید.  
انه علی کل شیء قدیر - انه بکلشی محیط - انه علی کلشی شهید.

## آهنگ آیات

سوره فصلت دارای ۵۴ آیه است که این آیات با ۱۰ حرف مختلف ختم می‌شوند، دو ثلث ابتدای سوره تقریباً یکنواخت است و آیات آن به جز ۸ مورد که با حرف «م» ختم می‌شود بقیه به حرف «ن» منتهی می‌گردد. اما ثلث آخر سوره همانطور که مشحون از آیات توحیدی و اسماء الحسنی است آهنگ متفاوتی پیدا می‌کند بطوریکه در ثلث آخر سوره آیات آن با ۸ حرف ختم می‌شوند (دو ثلث اول سوره با ۲ حرف) و تنوع زیادی پیدا می‌کند. تعداد حروف انتهائی آیات در سوره فصلت به قرار ذیل است:

حرف «ن» ۳۰ بار، «م» ۸ بار، «د» ۷ بار، «ر» ۱، «ط» هر کدام ۲ بار  
 «ز»، «ب»، «ص»، «ظ»، «ض»، هر کدام یکبار.

## سال نزول

مطابق محاسبات کتاب سیر تحول قرآن (جدول شماره ۱۵) آیات این سوره در ۳ مقطع زمانی به شرح ذیل نازل شده‌اند:  
 آیات ۱ تا ۷ سال ۵ بعثت، آیات ۸ تا ۳۶ سال ۹ بعثت، آیات ۳۷ تا ۵۴ سال ۲ هجرت.

## تقسیمات سوره

آیات این سوره به موضوعات متنوع و فراوانی اختصاص یافته است که تقسیمات آنرا زیاد کرده است، بطوریکه در هر چند آیه موضوع به ظاهر عوض می‌شود. با توجه به مطالب و مضامین آن می‌توانیم این تقسیمات را قائل شویم:

آیات ۱ تا ۴	مقدمه (درباره قرآن)
آیات ۵ تا ۸	اعراض کافران و معرفی مشرکین
آیات ۹ تا ۱۲	آیات تکوینی (آفرینش زمین و جو آن)
آیات ۱۳ تا ۱۸	تاریخ اقوام پیشین
آیات ۱۹ تا ۲۵	بحث قیامت
آیات ۲۶ تا ۲۹	تلاش کافران برای غلبه بر قرآن
آیات ۳۰ تا ۳۶	مؤمنین و عکس‌العمل آنها در برخورد با مخالفین
آیات ۳۷ تا ۳۹	ارائه آیات تکوینی
آیات ۴۰ تا ۴۶	وصف قرآن و مخالفت کافران با آن
آیات ۴۷ تا ۵۱	توحید و انسان‌شناسی
آیات ۵۲ تا ۵۴	قرآن - لقاء الهی